



تیرنگ | Tirang

مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)

آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۱۷۳۲۲۰۴۶۷۹ | @ Tirang.Studio | 📠 ۰۹۱۱۲۶۸۲۳۵۷  
📧 ۰۹۳۶۹۵۹۶۲۰۳ | M tirang.advertising@gmail.com

# گلشانه

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۳ بهمن ماه ۱۴۰۱ / سال بیست و چهارم / شماره ۸ / ۲۵۳۲ / صفحه ۲۵۰۰ / تومان

نبود امکانات گریبان گیر  
هنرمندان گرگانی



۳

۲۰۰ هزار تن کالا از مرز  
اینچه برون ترانزیت شد



۳

آتش در کمین  
جنگل های هیرکاتی



۷

## یادداشت اول

### افکار عمومی

### اتحادیه اروپا

■ با مسوولیت سردبیر

آیا واقعا آنگونه که برخی از مسوولان می گویند همراهی و یا مخالفت اتحادیه اروپا با سیاستها و برنامه های ایران دارای اهمیت نیست؟ آیا اتحادیه اروپا توان این را دارد که معادلات را بیش از این بر ایران تحمیل کند و با اعمال سیاستهای مختلف و همراهی بیشتر با تحریم ها شرایط را بر ایران بسته تر و تنگ تر کند یا داستان غیر از این است؟ در این باره باید گفت وقتی از اتحادیه اروپا سخن می گوئیم باید بدانیم از جمعیتی بالغ بر پانصد میلیون نفر در بیست و هفت کشور که سهم بسیار بسزایی در تولید ناخالص ملی جهانی دارند، سخن می گوئیم این اتحادیه که از حدود هفتاد سال پیش بنای آن سامان گرفته است و تا به امروز توانسته است خود را به عنوان یک اجماع در جهان ثبت نماید، بدنبال آن است تا با سیاست ورزی هماهنگ شرایط را به نفع کشورهای اروپایی در معادلات جهانی تغییر دهد.

از جانب دیگر و در ماجرای رای هماهنگ به تروریست خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باید توجه داشت که حتی در صورت قطعی نشدن چنین پیشنهادی، باید مدیران سیاست خارجی و دیگر مسوولان ما توجه داشته باشند که طراحی و برنامه ریزی طرف مقابل به گونه ای است که تقریباً تمام نمایندگان کشورهای اروپایی به این طرح رای داده اند و این نشانگر آن است که افکار عمومی اروپا بدون هیچ مسامحه ای به این مساله باور دارد و چنانچه اقدام عاجلی صورت نگیرد، می تواند به عواقب بسیار خطرناکی حتی جنگ برای کشورمان بینجامد. علت آن نیز آشکار است برای سیاست ورزان دنیای آزاد، افکار عمومی مهمترین بخش از بازی سیاسی است زیرا در نهایت تمام امورات منوط به پذیرش شهروندان و افکار عمومی شهروندان آنهاست. بنابراین چنین رای یک دست و شفافی نشانه عمق برنامه ریزی آنها برای مقابله با سیاستهای ایران است؛ مساله ای که باور شهروندان آن کشورها را نشان میدهد.

ادامه در صفحه ۲



افزایش نظارت  
بر صرافی ها

« ۸ »



راه اندازی خدمات CNG  
برای تاکسی هادر گلستان

« ۸ »



سینما  
« ۵-۴ »

# رانت دروغین زمین در گلستان



دکتر ارشک حلی ساز \_ پهنی استان گلستان علاوه بر موقعیت استراتژیکش به عنوان یک استان مرزی، گردشگری و ترانزیتی (به خراسان و ترکمنستان)، قابلیت های طبیعی و اکولوژی فراوانی نیز دارد؛ لذا انتظار می رود که این استان سهم متناسبی در تولید کشور و بهره مندی از مزایای اقتصادی کشور داشته باشد. اما نه تنها اینطور نیست بلکه عموماً در جدول هزینه ها در آن بالا بالاها جای دارد و در جدول بهره مندی ها در آن پایین پایین ها. چرا؟ مسلماً پاسخ به این پرسش نیازمند تحقیقات وسیع و جامع و منسجم است. اما در این نوشته کوتاه تلاش می کنم توضیح دهم که رانت زمین یکی از مشکلات اصلی به چاه و چاله افتادن امروز و آینده ای استان گلستان است. رانت زمین یعنی بورس بازی و دلالی و خرید و فروش سوداگرانه ای زمین. این رانت زمین اغلب قابلیت های اقتصادی را از استان گلستان سلب کرده است. نکته مهم آن جاست که این بورس بازی ها نه

در محدوده ی شهری مرکز استان بلکه در روستاها و اراضی جنگلی و دشتی خارج از شهر در حال وقوع است. بهتر است به سراغ آمار و اطلاعات برویم. میزان کل هزینه خانوار در استان گلستان طی دهه های هفتاد و هشتاد تقریباً ثابت بوده است. اما میزان درآمد نزدیک به ۴ درصد در این دوره کاهش داشته است. متأسفانه سهم تولید ناخالص استان

گلستان به نسبت کل کشور طی این دو دهه از ۱/۷۷ به ۱/۴۷ رسیده است و از رتبه ی ۱۴ کشوری به رتبه ی ۲۰ نزول کرده است. جالب است بدانیم که نزول رتبه به خاطر پیشی گرفتن سایر استانها در تولید ناخالص داخلی شان بوده است؛ چراکه نسبت تولید ناخالص داخلی استان گلستان به کل کشور طی این دو دهه تقریباً ثابت و نزدیک یک درصد باقی مانده است.

ادامه در صفحه ۲

## ادامه تیتراول



چنانچه فراتر از حوزه کشاورزی، دورنمای اقتصاد استان گلستان را از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ بررسی کنیم چشم‌انداز روشن تری به دست می‌آید. بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، رشته فعالیت‌های اقتصادی کشور به موارد زیر تقسیم می‌شود: کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری، استخراج معدن، صنعت، تأمین برق، گاز، بخار، آبرسانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه، ساختمان، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتور سیکلت، حمل و نقل و انبارداری و پست، فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا، اطلاعات و ارتباطات، فعالیت‌های مالی و بیمه، املاک و مستغلات، فعالیت‌های حرفه‌ای علمی و فنی، فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی، اداره امور عمومی، خدمات شهری و تأمین اجتماعی، آموزش، فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی، فعالیت‌های هنر، سرگرمی، تفریح و سایر خدمات. در بین سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ در بسیاری موارد میزان ارزش افزوده در این رشته فعالیت‌های اقتصادی در استان گلستان کاهش یافته‌است. از جمله این کاهش‌ها می‌توان به مواردی نظیر: گاو‌داری صنعتی، پرورش زنبور عسل، ماهیگیری، تولید انواع آشامیدنی‌ها، تولید انواع توتون و تنباکو و تولید منسوجات اشاره کرد. در بخش اعظمی از این رشته فعالیت‌های اقتصادی تغییر چندانی در میزان ارزش افزوده‌هایی صورت نگرفته‌است یا تغییر صورت گرفته خیلی زیاد نبوده‌است. زراعت و باغداری، پرورش حیوانات، جنگلداری، تولید پوشاک، تولید چرم، تولید محصولات فلزی، تولید مبلمان، تولید، انتقال و توزیع برق، ساختمان‌های مسکونی، فعالیت‌های خدماتی و فعالیت‌های بیمه‌ای از جمله این موارد هستند. در چند مورد به‌خصوص مواجهه با صعوبت قابل ملاحظه در ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی هستیم. مهمترین آنها شامل: استخراج معدن، تولید کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت، تولید فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی، تولید تجهیزات برقی، تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر، احداث ساختمان‌های غیر مسکونی و تعمیر رایانه و کالاهای شخصی و خانگی. نگاهی به مواردی که شامل ارتقاء بوده‌اند نشان می‌دهد که جنس «قطعه‌ای» دارند. به عبارتی با احداث یک یا چند کارگاه یا کارخانه مشمول این ارتقا شده‌اند. اینکه احداث و راه‌اندازی این فعالیت‌های اقتصادی چقدر با سیستم اقتصادی استان بیونند برقرار کرده‌است به شدت مورد تردید می‌باشد. مورد آخر نیز که اشاره به بخش «تعمیرات کالاهای شخصی و خانگی» دارد نشان از کاهش توان مالی خانوارهای استان گلستان دارد. در جدول تعیین ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی دو بخش «ساختمان» و «املاک و مستغلات» از هم جدا شده‌اند. افزایش ارزش افزوده استان گلستان در بخش ساختمان به نسبت کل کشور بین سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ به میزان ۲/۱۵ بوده‌است اما نکته جالب آن است که وقتی بخش ساختمان به دو زیر بخش «ساختمان‌های مسکونی» و «سایر ساختمان‌ها» تقسیم می‌شود متوجه فاصله عمیق این دو بخش می‌شویم. به طوریکه درصد افزایش ارزش افزوده در بخش ساختمان‌های مسکونی کمتر از ۱ و در بخش سایر ساختمان‌ها به میزان ۲/۸۷ بوده‌است. وقتی نگاهی به میزان تغییرات ارزش افزوده املاک و مستغلات بین این سال‌ها بیندازیم، متوجه می‌شویم که در خدمات واحدهای مسکونی شخصی، مسکونی اجاری، غیر مسکونی و خدمات دلالان مستغلات، مواجه با روند

نزولی بوده‌ایم. در این مرحله لازم است بر میزان افزایش قیمت مترمربع مسکونی و کلنگی نیز مروری صورت گیرد. ابتدا نگاهی به وضعیت چند شهر بیندازیم: میزان افزایش متوسط قیمت فروش یک متر مربع واحد مسکونی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا بهار ۱۴۰۰ در شهر اردبیل ۲۴ برابر، کرج ۳۲ برابر، تهران ۵۲ برابر، شهرکرد ۲۲ برابر، بجنورد ۱۶ برابر، اهواز ۲۱ برابر و ساری ۱۷ برابر بوده‌است. جالب و از طرفی تأسف برانگیز است که میزان این افزایش برای شهر گرگان چیزی نزدیک به ۳۲ برابر و شبیه شهر کرج است. از طرفی در همین سال‌ها میزان افزایش متوسط قیمت فروش یک متر مربع واحد کلنگی در همین شهرها چنین است: اردبیل ۲۷ برابر، کرج ۲۵ برابر، تهران ۶۹ برابر، شهرکرد ۲۶ برابر، بجنورد ۱۷ برابر، اهواز ۲۳ برابر و ساری ۱۹ برابر. در این مورد گرگان دارای افزایش ۹/۸ برابری است. اگر به نسبت افزایش متوسط قیمت مسکونی و کلنگی در شهرهای مختلف دقت کنیم، متوجه می‌شویم علیرغم تفاوت‌های جغرافیایی و فرهنگی و اقتصادی، منطقی بین آنها حاکم است (حتی برای شهری مثل تهران). به عبارتی نسبت افزایش قیمت‌ها در دو بخش مسکونی و کلنگی در تمامی این شهرها حول و حوش یک است

### افزایش ارزش افزوده استان گلستان در بخش ساختمان به نسبت کل کشور بین سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ به میزان ۲/۱۵ بوده‌است اما نکته جالب آن است که وقتی بخش ساختمان به دو زیر بخش «ساختمان‌های مسکونی» و «سایر ساختمان‌ها» تقسیم می‌شود متوجه فاصله عمیق این دو بخش می‌شویم

و فقط در گرگان نسبت ۰/۳ دارد. در واقع بین نسبت ارزش افزوده ساختمان به زمین در تمامی شهرهای یادشده نسبت نسبتاً مساوی برقرار است اما در گرگان در حالی که قیمت زمین حدود ۹/۸ برابر شده‌است، قیمت مسکن ۳۲ برابر گردیده‌است. نکته‌ی جالب دیگر آنکه میزان درصد تغییرات صدور پروانه‌های ساختمانی در استان‌های اردبیل، خراسان شمالی، تهران، البرز و مازندران شبیه‌استان گلستان است. در بخش کیفی هم اوضاع برای استان گلستان رضایت‌بخش نیست. اگر میزان خدمات ارائه‌شده در بخش ساختمان‌های مسکونی استان‌های مازندران و گلستان را بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد درصد خانوارهای بهره‌مند از کولر گازی، اینترنت، آشپزخانه و تلفن در استان مازندران بسیار بیشتر از استان گلستان است. در خصوص هزینه‌های جاری و روزمره نیز در بسیاری موارد شرایط ساکنان استان گلستان مطلوب نیست در بررسی آمار مربوط به متوسط انواع هزینه‌های خوراکی و دخانی در سال ۱۳۹۷ متوجه می‌شویم که در موارد متعددی ساکنان استان گلستان هزینه‌های بیشتری را متحمل شده‌اند. سه استان تهران (به عنوان گران‌ترین استان) و دو استان مازندران و خراسان شمالی (به‌عنوان همسایه‌های نزدیک استان گلستان) برای مقایسه انتخاب شده‌اند. متوسط هزینه‌های انواع تخم‌پرندگان، روغن‌ها، میوه‌ها، قند و شکر و ادویه‌ها و چاشنی‌ها برای ساکنان تهرانی کمتر از ساکنان استان گلستان است. ساکنان استان گلستان برای آرد و غلات، بیسکویت و کیک، انواع تخم‌پرندگان، میوه‌ها، خشکبار و حبوبات، قند و شکر، انواع شیرینی‌ها و چاشنی‌ها و نوشابه‌ها باید هزینه بیشتری را به نسبت ساکنان استان مازندران پرداخت کنند. غیر از بسیاری از موارد دیگر، ساکنان استان گلستان در سال ۱۳۹۷ برای گوشت و گوشت پرندگان هزینه بسیار بالاتری را نسبت به ساکنان استان خراسان شمالی پرداخت کرده‌اند. در مورد گوشت پرندگان چیزی بیش از سه برابر. این آمار هزینه‌ای و آمارهای تولیدی، گویی باهم نمی‌خوانند.

به نظر می‌رسد چیزی در این میان که جفت و جور نیست. همانطور که قبلاً گفته شد حل این معما نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر است اما حدس اولیه این است که «رانت زمین» در استان گلستان جایگزین فعالیت‌های مولد اقتصادی شده‌است. واضح است که ارزش زمین در استان مازندران به دلایل مختلف از جمله نزدیکی به پایتخت و مقصد گردشگری بودن، قاعدتاً باید بیشتر از زمین‌های استان گلستان باشد. نسبت افزایش ۱۹ برابری قیمت زمین در ساری نسبت به افزایش ۹ برابری آن در گرگان در طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰ شاهدهی بر این مدعاست. اما چگونه‌است که میزان افزایش قیمت مسکونی در گرگان طی این سال‌ها ۳۲ برابر و در ساری ۱۷ برابر بوده‌است؟! اگر در اینترنت مروری بر قیمت انواع زمین و باغ و باغچه در حاشیه ساری و روستاهای اطراف آن بیندازید، متوجه خواهید شد که قیمت آنها بسیار پایین‌تر از نمونه‌های مشابه آن در اطراف گرگان است. طبقه متوسط شهری ساکن در ساری که بخواهد صاحب یک باغچه در مناطق اطراف ساری شود، متحمل هزینه بسیار کمتری از خانواده هم‌تراز در گرگان خواهد بود. با توجه به انواع شاخص‌ها و خصوصیات و مقایسه این دو شهر، این عدم تعادلی پرسش برانگیز است. در نگاه اول این طور به نظر می‌رسد که کمبود فعالیت‌های تولیدی در استان گلستان از طریق رانت زمین جبران می‌شود و به عبارت ساده‌تر استان گلستان از جیب سرمایه ملی و تاریخی خود هزینه‌های جاری اش را پرداخت می‌کند.

مروری بر قیمت انواع زمین و مسکن در روستاهای اطراف گرگان و فاصله کم آن‌ها با قیمت زمینهای شهری نشان می‌دهد که کشاورزی، دامداری، گردشگری و حتی صنعت زیر سایه سنگین رانت زمین در حال جان دادن هستند. هزینه‌های سربار و اضافه مایحتاج روزمره و خوراکی یکی از بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین تأثیرات این جایگزینی است. فارغ از سایر جنبه‌های فرهنگی و تاریخی که روستاها لازم است اصالت و هویت خود را حفظ کنند چنین روندی موجب خواهد شد که جایگاه اقتصادی و تولیدی استان گلستان روزبه‌روز در سطح ملی افت کند. جانمایی و راه‌اندازی صنایع مختلف و بعضاً نامرتب بازمینه اقتصادی استان گلستان باعث بدتر شدن اوضاع خواهد شد. به‌عنوان نمونه جانمایی شهرک صنعتی آق قلا و آثار بسیار مخرب آن بر سلامت آب زیرزمینی را می‌توان مثال زد. نمونه‌های این چنینی فراوانند. احداث سد‌ها و آب‌بندان‌ها و سیاست‌های کوتاه‌نگرانه با توجیه «افزایش تولید کشاورزی» سبب وخیم‌تر شدن اوضاع می‌شود. زمین و طبیعت مستقر در این زمین سرمایه‌ی ملی و تاریخی استان گلستان است. حراج آن در بورس‌بازی و دلال‌بازی برای سرپوش گذاشتن بر حرفه‌های نظام تولیدی استان اقدامی بیرون از ذکاوت و عقل است. انواع و اقسام دست‌اندازی‌ها به پهنه‌های بکر جنگلی در محدوده شهری گرگان که بدون مجوزهای شهرداری ممکن نمی‌شود فقط تعرض به هزار یا دو هزار متر مربع از اراضی ملی نیست بلکه بر هم ریختن ساختار نظام تولیدی شهر و استان است. جنگل و مرتع و تالاب و خلیج قرار است سرمایه باشند که «پول توی جیبی روزانه» برای تسویه «قروض ناکارآمدی». مسلماً حل این معضل و بازگرداندن نشاط تولیدی به استان نیازمند یک برنامه بلندمدت است و اگر اراده و استمراری در طرح و اجرای چنین رویکردی وجود نداشته باشد، به زودی علاوه بر استمرار افول اقتصادی شاهد افول امنیت حیاتی در استان گلستان خواهیم بود. ریزگردی که دو هفته پیش مهمان گرگان شد اغلب شهروندان را گول زد و خود را به جای مه غالب کرد. طعم تلخ این فریب شاید تلخ‌تر از مزه گس ریزگردها در دهان و غبار باقیمانده آنها بر روی ماشین‌ها و خانه‌ها باشد. تکیه بر افزایش‌های نامتعادل قیمت زمین و دل بستن بر رانت زمین‌های جنگلی و حاشیه جنگلی فریبی بدتر از مه دروغین دو هفته پیش است. باشد که جدی‌تر به آن بیندیشیم و جدی‌تر عمل کنیم.

\*: تمامی آمارها از سایت مرکز آمار ایران و سایت معاونت آمار و اطلاعات استان گلستان اخذ شده‌اند.

عضو هیات علمی دانشگاه

## ادامه یادداشت اول

## افکار عمومی اتحادیه اروپا

بخاطر داشته باشیم که بازی سیاست قواعد خاص خود را دارد، میدان بده بستان‌های صاحبان قدرت است و رقیبان از هر حرکت ما برای ضربه زدن و بهره بردن به نفع خود استفاده می‌کنند. به این خاطر برای بازی در میدان سیاست همواره نیازمند برهه‌هایی موجه هستیم و شوربختانه باید اذعان کرد باز دست دادن اتحادیه اروپا پس از آمریکا، چین و کشورهای عربی عملاً برهه‌ای برای بازی در دنیای سیاست خارجی برای ما نمی‌ماند. واقع‌نگری و فرصت‌طلبی ابزاری برای نیل به منافع ملی است. باید بازی خودمان را بر اساس منافع شهروندان ایران بازخوانی کنیم تا حداقل فرصت‌ها را نیز نسوزانیم.

## خبر

### موانع پرداخت وام مسکن بر طرف شد

رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گرگان گفت: موانع پرداخت تسهیلات ۲۰۰ میلیون تومانی ساخت مسکن در گرگان برطرف شد. به گزارش مهر، ولی الله رضایی اظهار کرد: با تلاش‌های انجام شده و مساعدت بانک‌ها، موانع پرداخت تسهیلات ۲۰۰ میلیون تومانی ساخت مسکن در گرگان برطرف شد. رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گرگان افزود: متقاضیان ساخت مسکن در روستاها و شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر جمعیت می‌توانند برای دریافت این تسهیلات با سود پنج درصد و بازپرداخت ۲۰ ساله مراجعه کنند. وی گفت: اگر چه برای ساخت هزار و ۲۰۰ واحد مسکونی امسال در گرگان هدف‌گذاری کردیم اما اگر متقاضیان بیشتر از این تعداد هم باشند به بانک‌ها معرفی خواهند شد.

## شرکت پژواک کیفیت کاوش آریا (شعبه گلستان)

ارائه دهنده خدمات بازرسی اولیه و ادواری آسانسور جهت صدور گواهینامه استاندارد در استان گلستان. گرگان، خیابان امام خمینی (ره) کوچه آفتاب ۲۰، بازار بزرگ کتاب طبقه اول، واحد ۱.

تلفن: ۰۱۷۳۲۲۲۳۰۴۸  
همراه: ۰۹۳۳۳۸۲۳۰۴۸

# نبود امکانات گریبان گیر هنرمندان گرگانی



## یادداشت



قرار شد بی قرار هم باشیم ستاره ای در مدار هم باشیم درست مثل حروف آزادی جدا جدا در کنار هم باشیم حسین ضمیری - ۲۹ دی ماه ۱۴۰۱ روزی ما بود که عاشقانه، قدردان دو تن از مفاخر حوزه ی تعلیم و تربیت و عرصه ی فرهنگ و هنر گرگان زمین باشیم. استادان محمد رضا صمیمی و حاج یحیی دیوانی، بزرگان خاک صحنه خورده ی نمایش، فیلم و سریال، گویندگان نام آشنا و مولف کتاب های خودنگاشت از زندگانی فرهنگی هنری خود. جمعی از فعالان اجتماعی شهر، همگام با پیشکسوتان بازنشسته و بزرگان و جوانان عاشق هنرهای نمایشی به صورت خودجوش و مردمی، از سالها مهر و مهربانی این دو چهره ی نازنین در مقابل منزل جناب دیوانی با اهدای گل و کتاب و عرض ادب و ارادت تجلیل کردند. این رویداد را به فال نیک گرفته و سعی می کنیم تا با استمرار این نوع برنامه ها، یادمان نرود که از بزرگان ما، در سال هایی که به نیکویی در کنار ما هستند، قدردانی کنیم. برای هر دو عزیز و همه ی مفاخر عاشق شهرمان گرگان دعای خیر کنیم که بهروز سلامتی و کامکار فرهنگ و هنر باشند.

امکانات گرمایشی و سرمای بی اندازه سالن در فصل زمستان به خود بلرزند، سرما بخورند اما به هر نحوی که شده بخواهند این محفل انس و الفت ادبی را سرپا نگه دارند؟ اگر به این مسائل توجه نشود شرایط به سمت و سوی می رود که همین تعداد علاقه مند به شعر و داستان را هم از دست می دهیم. آیا شایسته است هنردوستانی که بدون کوچکترین چشم داشتی برای اعتلای فرهنگ این مرز و بوم زحمت می کشند و دور هم جمع می شوند تا چراغ محفل ادب خاموش نشود، از کمبودها و کم لطفی ها در این عرصه رنج ببرند؟ باید این افراد را حفظ کنیم و به تعداد آن ها بیفزاییم نه اینکه باعث شویم کاهش پیدا کنند. چرا شهر گرگان که مرکز استان گلستان است و یکی از شهرهای مهم در قدمت پرورش فرهیختگان، با وجود چنین وضعیت ضعیف فرهنگی و هنری در این شهر چون نبود امکانات

مترو پولیتن نیویورک می باشد و تاکنون میزبان بسیاری از برنامه های فرهنگی هنری استانی، ملی و بین المللی بوده است. اما حال بعد از سال ها مشکلاتی که در زمینه تجهیزات از قبیل تجهیزات صحنه ای مانند نور و صدا و در زمینه تاسیسات گرمایشی، سرمایشی، برقی و مکانیکی این مجموعه را مستلزم هزینه زیادی است. چرا که در زمان تجهیز کردن تالار قطعاتی که مورد استفاده قرار گرفته است، سفارشی بوده و فقط برای تالار فخرالدین ساخته شده و نمونه آن در دیگر کشورها و ایران وجود ندارد؛ متأسفانه این سفارشی بودن تجهیزات باعث شده، نشود مشابه داخلی برایش پیدا کرد. آیا مشکل حوزه تاسیسات یک بخش مربوط به موتورخانه که از چند سال پیش مستهلک شده و کیفیت خود را از دست داده و برای برطرف کردن مشکلات آن به چندین میلیون تومان اعتبار نیاز است هنوز رفع نشده که هر هفته باید دوستان هنرمند از نبود

پریسا مسعودی - هر عصر دوشنبه، فرهیختگانی که عاشق شعر و ادبیات هستند گرد هم جمع می شوند تا چراغ شعر را روشن کنند و فضای کم نور و سرد سالن کوچک ( هنر ) تالار فخرالدین اسعد گرگانی را با بیت بیت شعرهای خود گرم کنند و رونق بخشند. هنرمندانی که از ۴۰ سال پیش برای برگزاری نمایشگاه، اجرای تئاتر، موسیقی و ... از سراسر کشور به گرگان رفت و آمد دار، نام این تالار را به خوبی می شناسند. تالاری که در ابتدا با نام «تالار گرگان» شناخته می شد اما برای انتخاب نامش جمعی از فرهیختگان و نویسندگان گرد هم جمع شدند و با تهیه فهرستی از مشاهیر گرگان زمین سرانجام نام تالار را به نام خالق «منظومه ویس و رامین» یعنی فخرالدین اسعدگرگانی سند زدند. تالار فخرالدین که نماد فرهنگی شهر گرگان نیز به شمار می رود، در سال ۱۳۵۷ افتتاح شد و طراحی نمای اصلی ساختمان تالار بر گرفته از ساختمان اپرای

## خبر

### ۲۰۰ هزار تن کالا از مرز اینچه برون ترانزیت شد



مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده ای گلستان گفت: کامیون ها و سایر کشنده های جاده ای امسال ۲۰۰ هزار تن کالا را از مرز اینچه برون ترانزیت کردند. به گزارش مهر، عادل مصدقی در نشست کمیسیون قاچاق کالا و ارز استان اظهار کرد: میانگین تردد کامیون حامل بار در این مرز ۱۰۰ دستگاه بوده که نسبت به مهر و آبان امسال از رشد چند برابری برخوردار است. مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده ای گلستان افزود: علت این رشد قابل توجه امضا تفاهم رییس جمهور ایران با همتای ترکمنستانی و تقویت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه و انجام سفر هیاتی گلستان به این کشور است. وی ادامه داد: از ابتدای امسال ۹ هزار و ۷۳۵ کامیون با حمل ۲۰۰ هزار تن کالا از این گمرک جایجا شده است.

# آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول در نظر دارد

املاک مشروحه ذیل را از طریق مزایده به فروش رساند.

الف: میزان سپرده شرکت در مزایده به ۵ درصد قیمت پایه می باشد (بانک صادرات به شماره حساب ۰۱۱۵۸۶۰۹۲۸۰۰۱ یا شماره کارت ۲۹۲۳-۹۰۵۱-۶۹۱۹-۶۰۳۷ به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول).

ب: متقاضیان می توانند جهت هماهنگی و بازدید از املاک به نشانی های فوق الذکر مراجعه و از تاریخ انتشار آخرین آگهی در روزنامه به مدت ۱۰ روز کاری اسناد را به دفتر حراست دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول تحویل دهند.

ج: هزینه های درج آگهی در روزنامه به عهده برنده مزایده می باشد.

د: دانشگاه در انتخاب یارده هر یک پیشنهادات مختار است.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد

ملک	آدرس	پلاک ثبتی	مساحت عرصه (مترمربع)	مساحت اعیان (مترمربع)	حدود اریه (مترمربع)			
					شمالاً	جنوباً	شرقاً	غرباً
مهاباد	خ کوچه اول آینهار ۲۵	۲۹/۱۴۶۱	۱۷۵۲	۲۵۰	۴۲/۸۰	۴۰/۱۵	۴۰/۷۷	۴۲/۱۰
مدرسه	ابتدای بهسداران (۱۲۸ خ فرهنگ)	۲۹/۸۲۴	۷۷۲	۳۲۷	۱۸/۴۰	۲۰/۸۰	۳۹/۶۰	۳۹/۸۵

## خلافت به فدای مارکت

آثار سامان سالور را میتوان یکی از شترگاو پلنگترین آثار سینمای ایران قلمداد کرد. این کارگردان با مستند آرامش با دیازپام ده و فیلم هایی همچون ساکنین سرزمین سکوت، چند کیلو خرما برای مراسم تدفین و آمین خواهیم گفت، نامی برای خودش دست و پا کرد. فیلم هایی که بواسطه هوشمندی در انتخاب فضای روایت و قصه عجیب شخصیتها، خیلی زود نگاه بیننده را به پرده نقره ای خیره می کند و در دنیایی کاملاً ملموس ولی به دور از واقعیت و یا در دنیایی واقعی ولی ناملموس، داستانش را روایت می کند. سالور که فیلمهای اولش را بیشتر در فضای هنر و تجربه کار کرد، بعد از آن وارد مارکت سینما شد و آثاری چون سیزده ۵۹ و تمشک را هم ساخت. مارکت سینمای ما، مخلوطی از سفارشهای دولتی و سلیقه مردم است که در سیزده ۵۹ و تمشک این امر کاملاً مشهود است. آثاری سفارشی که هیچ خبری از خلافت و امضای سالور پای فیلمهایش نیست! در این شماره به نقد دومین فیلم بلند این کارگردان یعنی چند کیلو خرما برای مراسم تدفین می پردازیم. فیلمی سراسر برف و یخبندان که بی ربط به آب و هوای این روزهای ما هم نیست.

### عشق، تنهایی دهه پنجاهی!



**علی درزی** چند کیلو خرما برای مراسم تدفین برای من یک فیلم کاملاً شخصی محسوب می شود. از این لحاظ که دوران دانشجویی وقتی این فیلم را دیدم، ناخودآگاه به یاد داستان کوتاه عروسک پشت پرده از صادق هدایت افتادم. (شاید هم از نظر خیلی هایی ربط باشد). داستان کوتاه بر این قرار است که دانش آموزی ایرانی که برای تحصیل به فرانسه رفته، به دلیل انزوا و تنهایی رفته عاشق یک مانکن پشت ویترین می شود، نمی تواند بر وسوسه اش غلبه کند، آن (او) را می خرد و با خودش به خانه می برد، تا جایی که مانکن به رقیب عشقی نامزدش در آینده تبدیل می شود و ...

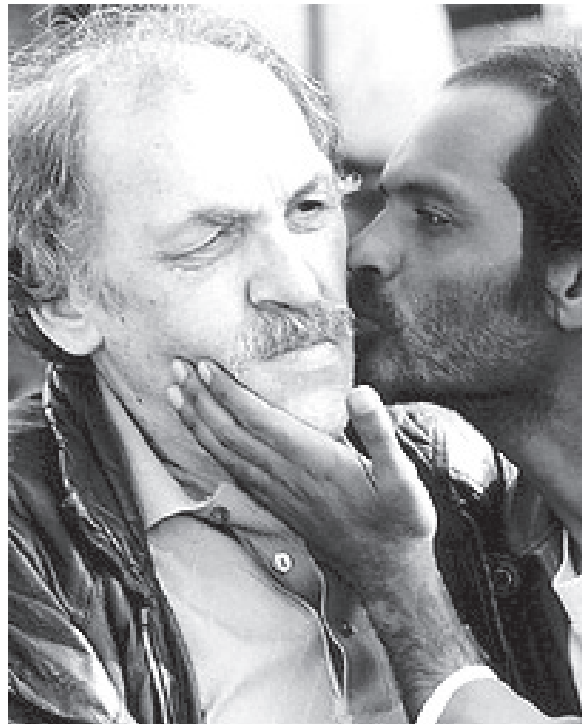
وقتی می خواستم اولین داستان کوتاه را بنویسم، فضایی از فیلم معجزه در میلان دسیکا با قصه ای مخلوط از عروسک پشت پرده هدایت و چند کیلو خرمای سالور به ذهنم رسید. ایده من برای آن داستان کوتاه از روی عروسک دیوید بکهام در فیلم بود، شخصیت نوجوانی کم بینا و علیل که از زاغه به کنار ریل تبعید شده، هر روز صبح دختری را می بیند که به او لبخند می زند و رفته رفته عاشقش می شود تا اینکه ..

چند کیلو خرما یک تراژدیست، روایت نسلی سوخته و خاکستر شده از مفهومی به نام عشق! که سه همخانه (سالور، نامجو، اصلانی) به آن جامه عمل پوشاندند. تنهایی و عشق: به لحاظ دیالکتیکی می تواند موضوع بحث فلسفه یا جامعه شناسی و یا روانشناسی قرار بگیرد که چطور هر یک می توانند سوژه و اویژه قرار بگیرند. آیا این ملال تنهایی است که عشق را در ضمیر سرکش انسان بوجود می آورد؟ یا عشق بن مایه وجودی هر انسان است که تحت هر شرایطی از آن بهره می جوید؟ چند کیلو خرما مانند خال روی دست عروج، عشق را به سینه اش نقش زده، عشقی هایی به غایت عجیب و غریب.

صدری: پهلوان معرکه گیری که زیر ماشین، دستش، دلش با صدای دختری لرزید، دختری که هیچوقت او را ندید، فقط هر روز صدایش را می شنید! عشق به صدا. یدی: نگهبان پمپ بنزینی متروکه، که در حین خدمت، عاشق خواهر همخدمتی اش شده، اما به دلیل شغلش نمی تواند به ملاقاتش برود ابراز عشق کند، برایش نامه می نویسد.

عباس: نامه رسان یدی که عاشق گیرنده اشتباهی نامه های یدی می شود. صدری در پمپ بنزین متروکه به قدری تنها مانده که جزوی از طبیعت یخزده شده، سرد و خشک و زمخت، ولی قدرتمند. صدری در این برهوت یخی، ناگهان خودش را مورد عنایت و لطف الهی می بیند، او یک دختر یخزده (مانکن پشت ویترین) در برف پیدا می کند، ابراز عشق به دختر ساکت چنان با احساس بیان می شود که در چند ملاقات بعدی، وقتی می فهمیم دختر مرده است، غافلگیری شگرفی در ما رخ می دهد. عشق صدری به دختری مرده و یخ زده! صدری به

# فیلمی سراسر برف



هواست؟ مثل زندگی؟ که چگونه بی شور و شوقی ابدی می خواهی زنده بمانی؟ عشق و مهر را چه مثل سهراب سپهری ببینیم و سادگی اش و چه تک نکته ها و ریشه های نجاتی که داستایوفسکی از زندگی برمی کشد به دقت، چه مانند عشقهای پرزور و شور ببینیم، هر چه باشد، محرک است. محرک است به زندگی و زنده بودن. حتی در برف و سرما!

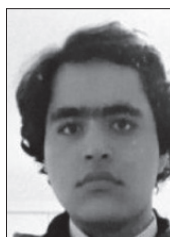
محمدرضا بایرامی رمان زیبایی دارد به نام لم یزرع. شروع کتاب اینطورست که در برف و سرما، حتی احساسات هم یخ می زند. ولی چندکیلو خرما برای مراسم تدفین، خطی می زند این حرف را. به طوری که در یخ بندان و سرما، عشق زنده است به نور و گرما. آنچه هم درین فیلم اهمیت دارد و هم به خودی خود مهمست، این امرست که وقتی ما چند شخصیت داریم و هر کدام داستان خودشان را دارند، می توانیم کاری کنیم که داستان جذاب تر و پربارتر شود. چطور؟ به این شکل که فرضاً سه شخصیت داریم که هر کدام داستان کوتاهی دارند و ما به جای اینکه اول داستان اولی را بگوییم و سپس داستان دومی را و در آخر داستان سومی، می آیم اینها را - اگر داستان خطی باشد - با تدوین موازی، سکانس هاشان را پیش می بریم. این کار باعث می شود که داستان کوتاه یک نفر، زود تمام نشود، نیز تعلیق را بیشتر می کند در هنگامی که مثلاً اتفاقی می افتد و کات می زنیم به داستان نفر بعدی. همچو کاری در سریالها هم زیاد استفاده می شود. مثل سریال بازی تاج و تخت، یا سریال دارک. و یا نمونه ی کوتاه ترش، سریال فرندز.

نکته ی دیگری که عمیقتر می کند داستان را اینست که این داستان های جدا که در هم بُر خورده اند و با هم روایت می شوند، در داستان یا در جاهایی نیز، به هم برخورد کنند. انگار که داستان فرد دو قاطی شود و بیاید در داستان نفر سوم و نفر سومی خودش در نفر اولی و داستانش باشد. آن سریالهای بالا، همچو لحظاتی دارند و این چیزی که می گویم به شکل مفصل تر در رمان نویسی در وقت اضافه، نوشته ی محسن سلیمانی آمده است.

در چندکیلو... سه داستان عاشقانه با هم پیش می روند:

هر کلکی که شده می خواهد یدی را دک کند و جنازه را با خودش به داخل زاغه (لاشه اتوبوس) بیاورد. اما طبیعت دست یاری اش را دریغ می کند و خورشید در چله زمستان مشغول آب کردن برفها و بیرون انداختن جنازه دختر در ماشینش است. یدی که فقط نگاهش به جاده است و طبق ضرب المثل منتظر نامه اش است، کاری جز انتظار ندارد، او حتی نمی داند معشوقش در کجا خانه دارد. عباس هم یک سودجوست، گفتاری که از موقعیت پیش آمده به سود خودش استفاده می کند. شاید اگر دهه پنجاهی ها بخوانند از نوستالژی اتوبوس و پمپ بنزین های مکانیکی و دوچرخه و نامه و برف و چادر و مقنعه و خدمت سربازی شان برایم از عشق حرف بزنند، قصه شان به تلخی همین چند کیلو خرما برای مراسم تدفین تبدیل شود. احتمالاً چیزی که از آخر نصیب صدری شد، به صورت نمادین چیزی بوده که هم نسلی های سالور و نامجو و اصلانی نصیبشان شده، یادگاری های نوستالژیک در میان برفی بدقلق!

### چند مرد عاشق



**محمد صالح فصیحی** می گویند که آزادی برای انسان، مثل هواست. نادر ابراهیمی می گوید که اشتباهست این که انسان بدون هوا نمی تواند زندگی کند ولی بی آزادی می تواند. اما به نظر تان نمی شود گفت که عشق برای انسان مثل

# رف و یخبندان

جلوی پایت؛ به پاس زحمت و جوری که می بری. دلت می خواهد دختر بی خواستگار بماند تا تو فرصت کنی طلبت را تسویه کنی و یک شبه داماد شوی. از خدا می خواهی آدم ها بمیرند و آن ها که مرده اند زیر برف مدفون بمانند تا تنهایی و عشق ناکام دست از سرت بردارد. این ها تاثیرات چکشی روایت است که روی مخاطب فرود می آید تا آنجا که قافیه را می بازی و به چند کیلو خرما برای تدفین رضایت می دهی. فیلم سازان نورنالیسم می کوشیدند تا وضع بد زندگی جامعه، نابسامانی های اجتماعی، مصیبت های ناشی از جنگ و در یک کلام، زشتی های موجود را نمایش دهند. البته که اینها یکی از المان های نورنالیسم است. سالور هم گشته و قصه برایمان آورده. با سکانس های لچ درآز طیف های بسیار خاکستری رنگ. آن قدر که حتی تماشای حباب های رنگی چراغانی جشن عروسی هم خاکستریند و این غمگین ترت می کند. در آخر، تنها راه فرار، گویا، سوار شدن بر چهار چرخ عروج ست که می رود تا جاده، زمستان و آدم ها را با تن هایی تنها جا بگذارد. روایت دست از دامن شخصیت ها می کشد و هر کدامشان را آنطور که باید به منزل می رساند. سهم آنکه در برف مانده هم، چون عایدی دیگر مرده ها چند کیلو خرماست برای تدفین نه بیشتر.

## رنگ برف



**جواد فرشاف** - به عقیده برخی از مخاطبین سینما، قاب رنگارنگ تصویر به مخاطب برای فهمیدن بهتر مقصود و منظور فیلمساز کمک زیادی می کند، اما در فیلمی نظیر «چند کیلو خرما برای مراسم تدفین» چنین نیست. قاب سیاه و سفید دوربین ذهن بیننده را به یکی از اصلی ترین موضوعات داستان راهنمایی می کند. در همان دقایق ابتدایی، سپیدی برف به وضوح هر چه تمام تر به تصویر کشیده شده تا جایی که مخاطب سرما را در وجود خودش احساس می کند. برف و سرما به نوعی استعاره ای از سردی روابط بین شخصیت های درون داستان است که هر کدام می خواهند «خود» اصلی شان را از دیگری مخفی کنند. شاید یخبندان تشبیهی از کالبد های بدون روح انسان های امروزی است که از گرمای روح و معنا تهی گشته است و در جوامعی که رنگ و بوی مدرنیته به خود گرفته کاملاً طبیعی و قابل درک می باشد. درست شبیه سالی که «صدری» از پیرمرد نعش کش می پرسد، نشان دهنده بی توجهی او به این قضیه است:

«جسد زن بیشتر می مونه یا نه؟»

«فرقی نداره جنازه جنازه اس زن و مرد نداره»

«آگه کسی نخواد جنازش رو خاک کنن، میشه؟»

«به درد کی می خوره جسدی که روح از تنش رفته به چه کار میاد... چهار تیکه استخون»

«یدی» همکار ساده دل «صدری» نمی داند در دل صدری چه می گذرد به همین دلیل مدام او را از پیگیری اخبار هواشناسی سرزنش می کند. شباهت این دونفر در این است که هر دو دل در گرو عشقی بسته اند که اصلا اصالت و حقیقتی از خود ندارد حتی جایی که «صدری» «یدی» در آن زندگی می کنند به روحيات آن دوشباهت دارد. اتوبوسی که برای حرکت و مسافرت ساخته شده اما به کل ماهیت خود را از دست داده و تبدیل به یک آشیانه ی بین راهی شده است. درست شبیه این دو شخصیت فیلم که هر دو از ماهیت و معنای خودشان غافل هستند. یکی عاشق جسم بی جانی شده و دیگری علاقه به دختری دارد که فقط یکبار او را دیده و دیگر ندیده اش و آن دختر هم او را نمی شناسد! همین قدر انسان های دور و بیگانه از اصل و حقیقت خویش! تا زمانی که صدری و یدی در پایان فیلم به عنوان آشتی به سمت یکدیگر دست دراز نکرده بودند این بیگانگی و دوری پابر جا بود. بازی محسن نامجو در نقش پستیچی شاید طبیعی ترین بازی در این فیلم باشد، نحوه برخورد با پدر مسن و برادر کوچکش که کمی کند ذهن بنظر می رسد، می تواند تداعی کننده ی برخورد و تعامل سه نسل مختلف از یک جامعه باشد.

«چند کیلو خرما برای مراسم تدفین» در سینمای ایران منحصر به فرد است. از تلخی و غصه انسان می گوید، اما فیلم صرفاً تلخ و غمگینی نیست! پوچی و بی اصالت بودن را به تصویر می کشد اما این موضوع را به عنوان نتیجه به مخاطب القا نمی کند، سکوت و آرامش در سرتاسر فیلم حکمفرماست اما فیلم بدون حرکت و جنب و جوش هم نیست. از سردی روح و فقدان معنویت در انسان امروز صحبت می کند اما در پایان قصه آن را به چالش می کشد و در نهایت «چند کیلو خرما برای مراسم تدفین»، با فیلمنامه پرکشش، صحنه های طنز آمیز و دارای استعاره و از همه مهم تر کارگردانی قوی، از معناگرترین آثار سینمای ایران در دو دهه اخیر است.



**ماهور حانمی** - وقتی زندگی با می گذارد روی گلوی زنده ها، دیگر این روزگاری، زیستن نیست. بلکه به اسم زندگی و به رسم مرگ ست. می پیچد دور آدم و با به چالش کشیدنش، قصد دارد در تلاشی ناامید کننده، میان پیله تئیه به دور خویش، خفه اش کند. سالور زندگی را در فضای برفی و سیاه و سفید، مکان دور افتاده و متروکه، شهری که در فیلمبرداری و رنگ آمیزی فیلم چهره ای غریبه دارد و در کنار آدم هایی فرو رفته در اجبار و دلنگ، نشان می دهد. جایی خواندم: «هفت هزار تماشاگر بعد از اکران آن ایستادند و سینمای ایران را تشویق کردند». و این حس بعد از تماشای اولین دقایق فیلم این پرسش را مطرح کرد که ما زاده رنجیم، در ناکامی می زی ایم و در ارا به ی چهار چرخ فرسوده مردی شبیه به عروج، خیلی خیلی معمولی و پیش پا افتاده می رویم تا به خاک سپرده شویم؟ و جمعی به احترام درک و همذات پنداری با صدری، یدی، پستیچی و نعش کش می ایستند و کف می زنند؟

کاش قصه آن قدر تلخ نبود و آدمی در زمستان با آن سرما، حسرت آلود و گلایه مند هوای آفتابی زمستان را از خدا بازخواست نمی کرد. تا آنجا که رو به آسمان کند و بگوید: «مگه من چی ازت خواستم؟ ها؟»

و این جاست که تمام آن تصاویر گرفته شده توسط دوربین با آن سایه روشن های خاکستری و تیره، در مکانی پرت، لوکیشن بسته و مدرس کابین اتوبوسی اسقاطی با کمک از نورنالیسم سینما درد اجتماع را نشان می دهد. تاثیر مکتب نورنالیسم پر واضح ست. شباهت فضای دلمرده محوطه فیلم با فیلم سانتیمانال دسیکا معجزه در میلان غیر قابل انکار است. از طرفی دیگر تماشای این فیلم تداعی کننده فیلمهای سینمای شوروی سابق و در نهایت سینمای بلوک شرق ست. مانند یک روز از زندگی ایوان ایوانویچ. فضای سنگین تصویر پردازی (و البته عالی فیلم) از همان آغاز بیننده را به چالش می کشد؛ فضای جیم جارموشی حاکم بر فیلم، نماهای خاص که کمتر در سینمای ایران دیده شده و از سویی دیگر ساختار روایی فیلم و طرح عشق موازی و لوکیشن عجیب فیلم همه و همه مخاطب را با خود می برد. با هر شخصیت که همراه شوی یک جایی از انسانیت درد می گیرد. کینه ای می شوی. بی گذشت می مانی. تهمت می زنی و خجالت نمی کشی. توی سربلایی رکاب می زنی و آرزو می کنی کاش آن موتور کدایی از آسمان بیفتد



یکی عشق مردی به زنی است که در جاده ی برف گیر کرده-تصادف کرده و مرده. یکی عشق مردی به دختری است که زمان سربازی دیده است او را و حالا برایش نامه می نویسد. یکی عشق مرد نامه رسان به دختری است که مرد دو، آدرش را داده بهش. اما آدرس دختر، آدرس اشتباهی است و او همان دختری نیست که مرد دو دیده او را و حالا نامه رسان عاشقش شده. مرد اول هم در اضطراب آب شدن برف و مردن زن و عشقش به اوست که ماشین او را در میان برف ها قایم کرده تا کسی نبیندش تا بتواند خودش باهاش حرف بزند گهگاه.

این داستانک هایی که نوشتم، وقتی اینگونه نوشته می شوند یا وقتی در کلیت نگاهشان کنیم، عاشقانه به چشم می آیند. اما وقتی داستان را در زمان حال می بینید، داستان با آمیختگی به نامه و بنزین و بدخلقی و مواد و عقب ماندگی برادر نامه رسان ترکیب شده. بهتر اینکه: عشق در خلال امور دیگر وزیده می شود در داستان و داستان ها هم همان طور که نوشته شد، کوتاهاند؛ و چه بهتر ازین؟

## از عشق تا خرما





# آتش در کمین جنگل‌های هیرکانی



موقعیت جغرافیایی خاص منطقه، آتش‌سوزی دوباره از روز شنبه از سر گرفته شد. با مشارکت ۱۲۰ نفر از نیروهای محلی، بسیجی، محیط زیست و منابع طبیعی و همراهی هلال احمر گلستان بعد از ۲ روز تلاش این آتش‌سوزی عصر دوشنبه هفته گذشته به طور کامل مهار شد. علی‌جوان حاذق‌خواه، فرماندار گالیکش، عامل این آتش‌سوزی را انسانی اعلام کرد و گفت: وسعت حریق حدود ۳۵ هکتار و نوع آن بیشتر سطحی و مربوط به برگ‌های خشک و بوته‌ها بود و به درختان جنگلی آسیب جدیدی وارد نشد. فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان بیان کرد: با توجه به سابقه حریق در جنگل‌های شرق گلستان به ویژه گالیکش که بیشتر آن به وزیدن بادهای گرم حتی در فصل زمستان و حضور جمعیت بیشتری از گردشگران و طبیعت گردان برمی‌گردد، همواره دیدبانانی مختص این شهرستان در نظر گرفته می‌شود. سرهنگ عیسی گلبنی، علت عمده حریق‌ها در استان گلستان را انسانی اعلام کرد و گفت: برگ‌های تلنبار شده در کف جنگل در صورت وجود کنده‌های نیم سوخته دفن‌شده در زیر خاکستر، با وزش باد در این فصل از سال آماده شعله کشیدن است لذا از مردمی که این روزها در طبیعت اطراق می‌کنند درخواست داریم با ریختن چندین باره آب و زیورورکردن خاکسترها از خاموش شدن آتش مطمئن شوند. وی افزود: منابع طبیعی به طور مکرر از طریق فضای مجازی و رسانه‌ها از مردم می‌خواهد در صورت مشاهده هرگونه حریق در سطح عرصه‌های جنگلی و مرتعی برای اطلاع رسانی به نیروهای یگان حفاظت استان با شماره ۱۵۰۴ تماس بگیرند تا در کمترین زمان با حضور در محل نسبت به مهار آتش اقدام کنند. فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان با اشاره به وجود لاشه‌برگ‌های زیاد در جنگل در این فصل از سال، اظهار کرد: در هفته گذشته ۲۱ فقره حریق در عرصه‌های منابع طبیعی استان در شهرستان‌های گرگان، رامیان، مینودشت و گالیکش گزارش شد که در مجموع به ۸۵ هکتار از عرصه‌ها به صورت کف سوزی خسارت زد. سرهنگ گلبنی با رضایت از فعالیت دیده‌بانان در مهار آتش سوزی نقطه‌ای قبل از حضور مأموران یگان حفاظت، افزود: ۲۱ دیده‌بان جدید از اول آذرماه فعالیت خود را در عرصه‌های منابع طبیعی گلستان به مدت ۲ ماه آغاز کردند. وی از فعال بودن سه دوربین پایش تصویری در عرصه‌های منابع طبیعی گلستان خبر داد و گفت: مدیریت هوشمند آتش‌سوزی‌ها نیازمند نصب ۲۰ دوربین پایش جدید است. فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان اظهار کرد: ۶ دوربین پایش تصویری سال ۱۳۹۹ در عرصه‌های منابع طبیعی گلستان نصب شد که با تکمیل تجهیزات آن از جمله تامین بستر اینترنت از سال گذشته سه مورد از این دوربین‌ها در عرب‌داغ کلاله، ریگ‌چشمه آزادشهر و درازنو کردکوی به مانیتورینگ متصل شد و پایش این مناطق به صورت لحظه‌ای در حال انجام است. سرهنگ گلبنی بیان کرد: وجود این دوربین‌ها در کنار استفاده از ظرفیت دیده‌بان‌های آموزش دیده که به طور عمده از میان همیاران طبیعت انتخاب می‌شود برای نظارت بر عرصه‌های طبیعی در فصل‌های تابستان و پاییز و زمستان نقش مهمی در پیشگیری و مهار آتش‌سوزی‌ها دارد. گلستان بیشترین جنگل‌های سوزنی برگ کشور را دارد و که به واسطه برگ ریزان پاییزی در نیمه دوم سال این جنگل‌ها مانند انبار باروت بوده و با کوچکترین جرقه‌ای شعله‌ور می‌شود.

**این روزها بارندگی شاخصی در گلستان نداشتیم و به همین دلیل بی دقتی در خاموش کردن آتش زیر خاکستر در هنگام خروج از تفرجگاه‌های جنگلی که کف آن پر از برگ‌های خشک است می‌تواند عاملی برای آتش‌سوزی در سطح کم و یا گسترده باشد**

**■ وزش باد، باقی‌ماندن آتش و فیلتر سیگار عوامل آتش‌سوزی جنگل‌های گلستان**  
سلیمان آرخی یکی دیگر از دوستداران طبیعت عامل بیشتر آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌های استان را انسانی دانست و گفت: خیلی از افراد بدون توجه به تبعات رفتار خود در هنگام حضور در طبیعت باعث بروز فاجعه برای جنگل می‌شوند که از جمله آن می‌توان به سیگار کشیدن و انداختن فیلترهای نیمه سوخته بر روی برگ خشک درختان و روشن کردن آتش اشاره کرد در صورتی که با کمی دقت و اطمینان از خاموش بودن فیلتر و انتخاب محلی مناسب برای روشن کردن آتش می‌توان از خیلی از اتفاقات پیشگیری کرد. وی افزود: این روزها بارندگی شاخصی در گلستان نداشتیم و به همین دلیل بی دقتی در خاموش کردن آتش زیر خاکستر در هنگام خروج از تفرجگاه‌های جنگلی که کف آن پر از برگ‌های خشک است می‌تواند عاملی برای آتش‌سوزی در سطح کم و یا گسترده باشد. این دوستار طبیعت از مردم خواست در مرحله نخست در جنگل سیگار نکشند و در صورت کشیدن هم هنگام انداختن فیلتر آن بر روی زمین از خاموش بودن مطمئن شوند و همچنین در صورت مشاهده کوچکترین دود و یا شعله‌های آتش سریعاً برای جلوگیری از گسترش حریق با سامانه ۱۳۹ و ۱۵۰۴ تماس بگیرند.

**■ کف سوزی حدود ۳۵ هکتار از عرصه‌های جنگلی گلیکش**  
نیروهای اطفا حریق صبح روز جمعه هفته گذشته با اطلاع از وقوع آتش‌سوزی در منطقه «جمشیدآباد» شهرستان گالیکش به محل اعزام و آن را مهار کردند اما با توجه به شرایط جوی و وزش شدید باد و همچنین

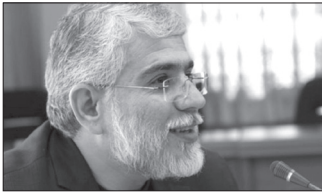
و هنگام ترک محل از خاموش بودن آتش به طور ۱۰۰ درصدی اطمینان حاصل کنند. مردم علاوه بر فصل بهار و تابستان که مشتاق برای حضور در تفرجگاه‌های جنگلی و استفاده از هوای پاک و خنک آن هستند در فصل پاییز و زمستان هم از هر فرصتی مانند روزهای پایانی هفته و تعطیلات رسمی برای زدن به دل جنگل‌ها به ویژه در مناطق شرقی استان گلستان مانند گالیکش و مینودشت استفاده می‌کنند و در کنار آن باید به حضور مردم بومی و چوپانان هم در جنگل‌ها اشاره کرد که در برخی مواقع سهل‌انگاری هر کدام از آنها در روشن گذاشتن آتش و یا باقی ماندن کنده نیم سوخته پنهان در دل خاکسترها احتمال دارد با کوچکترین وزش بادی، شاهد شعله‌ور شدن جرقه آتش در میان برگ‌های خشک تلنبار شده باشیم. علیجان احمدی، کارشناس حوزه جنگل معتقد است: ورود خودرو به عرصه‌های جنگلی، چادر زدن، انداختن زیرانداز و روشن کردن آتش در مکان نامناسب توسط برخی از مردم باعث عدم زادآوری جنگل در این مناطق می‌شود و در نتیجه آن جنگل حالت توالی (سیر تکاملی) خود را از دست می‌دهد و به سمت مخروطی شدن بیش خواهد رفت. وی افزود: همچنین عده‌ای از مردم با حضور در طبیعت به طور عمدی و یا سهوی شاخه‌های درختان را می‌شکنند که لازم است فرهنگ‌سازی حفاظت از منابع طبیعی در مقطع ابتدایی و در مقاطع بعدی تحصیلی و دانشگاه مورد توجه قرار گیرد. وی ادامه داد: برخی افراد ساکن در حاشیه جنگل‌ها که زمین کشاورزی دارند به صورت میلی متری به حریم جنگل نفوذ کرده و باعث کاهش سطح جنگل‌ها می‌شوند و علاوه بر آن عده‌ای از روستاییان دام‌های خود را برای چرا به داخل عرصه جنگلی می‌آورند که نتیجه آن تخریب پوشش گیاهی خواهد بود.

دوستداران طبیعت این روزها با هر وزش باد در جنگل‌های چندین میلیون‌ساله هیرکانی نگران شعله‌گرفتن دوباره کنده‌های نیم‌سوخته آتش‌سوزی اخیر هستند که یک بی‌احتیاطی برای خلق شادی و تفریح، ممکن است صدها هکتار از درختان این میراث طبیعی کم‌مانند را به خاکستر تبدیل کند. به گزارش ایرنا، جنگل‌های هیرکانی که برخی دانشمندان قدمت آن را ۴۰ میلیون سال برآورد کرده‌اند نمادی از فسیل‌های زنده‌ای محسوب می‌شود که ۱۴ تیرماه سال ۱۳۹۸ به عنوان دومین اثر بزرگ طبیعی ایران بعد از کویر لوت در چهل و سومین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در باکو آذربایجان در فهرست جهانی قرار گرفت.

**■ نگرانی همیشگی شعله گرفتن آتش زیر خاکستر**  
برای خیلی از مردم سرد شدن هوا به معنی کاهش نگرانی نسبت به آتش‌سوزی در جنگل‌هاست لذا به عنوان تجربه گردشگری زمستانه و خلق لحظه‌های شاد از هر طریقی و حتی پیدا کردن مسیرهای فرعی راهی برای تردد خودروهای خود در دل جنگل پیدا کرده و چند ساعت یا چند شبانه روز اطراق می‌کنند و یکی از تفریحاتشان در این لحظه‌ها روشن کردن آتش برای گرم کردن و پختن غذا و خوردن چای به اصلاح عامیانه «بش آتیشی» است. دوستداران طبیعت مخالف حضور گردشگران در جنگل‌ها و فضای سبز برای گذراندن ساعات شاد و مفرح نیستند اما توصیه آن‌ها این است که در مدت حضور در جنگل از شکستن شاخه‌های سبز و بریدن تنه درختان جوان پرهیز کنند و در صورت امکان آتش خود را در محلی‌هایی که قبلاً به دلیل حضور افراد دیگر به اصلاح پاکوب شده روشن کنند، زباله‌های خود از جمله شیشه و لوازم انعکاس دهنده نور خورشید جمع کرده



## تقویت تجارت چمدانی و استفاده از ظرفیت مرز نشینان در توسعه گلستان



استاندار گلستان اظهار کرد: بر اساس توافقات صورت گرفته با جمهوری ترکمنستان، تجارت چمدانی از مرز اینچه برون استان تقویت می شود. به گزارش روابط عمومی، علی محمد زنگانه در جلسه کمیسیون برنامه ریزی، هماهنگی و نظارت بر مبارزه با قاچاق کالا و ارز استان تصریح کرد: ظرفیت مرز نشینان قابلیت ارزشمندی است که در توسعه تجارت استان از آن استفاده کرده و تعاونی های مرز نشینان را تقویت می کنیم. وی افزود: استفاده از ظرفیت شورای ساماندهی مبادلات مرزی در رونق مرادوات تجاری ضروری است. استاندار گلستان گفت: اگرچه شیوع ویروس کرونا، ترانزیت کالا و تجارت چمدانی را کاهش داد اما بر اساس توافقات بین المللی صورت گرفته، تلاش ما احیای روابط تجاری پیش از همه گیری ویروس کرونا است. وی ادامه داد: ثبت سفارش های متمرکز وزارتخانه ای، دستگاه ها به هیچ عنوان نافی مطلع نبودن دستگاه ها از اطلاعات نیست. زنگانه تاکید کرد: دستگاه ها باید خلأ های قانونی را احصا و به سطوح ملی اعلام کنند. وی خاطر نشان کرد: هدف ما تقویت صادرات و واردات از ظرفیت های قانونی خصوصاً شرکت تعاونی های مرز نشینان است. استاندار گلستان یادآور شد: خوشبختانه ۴۲ شرکت تعاونی استان از ابتدای امسال تاکنون موفق به صادرات کالا در حوزه های کشاورزی، صنعت و شیلات به ارزش ۱۶ میلیون دلار به کشورهای همسایه شدند. وی گفت: عملکرد دبیرخانه کمیسیون قاچاق کالا و ارز این استان در برگزاری جلسات و پیگیری حوزه کاری قابل تحسین است. استاندار گلستان گفت: خوشبختانه اصلاح قانون در حوزه مبارزه با قاچاق سوخت و چوب، فرصت خوبی برای دستگاه های مرتبط است تا از این ابزار اصلاح شده برای ریشه کنی قاچاق بهره برداری کنیم. وی گفت: مطابق داده های آماری دستگاه های مرتبط، ۳۵ درصد از پرونده های تعزیراتی گلستان مربوط به قاچاق چوب است.

وی با بیان اینکه در حال حاضر جریان نسبی و آرام گازی در گلستان حاکم است و مصرف مردم استان مطلوب است، خاطر نشان کرد: مردم در صورت بروز هر گونه مشکل، موارد را به سامانه ۱۹۴ گزارش کنند.



قطعی گاز نیز در گلستان گزارش نشده است، یادآور شد: البته قطعی گاز صرفاً مربوط به زمان فعلی نیست و در فصل تابستان هم وجود داشته است. گاهی اوقات قطعی گاز به دلیل مشکلات فنی است و ارتباطی به افت فشار گاز ندارد.

افزایش یابد. وی در ادامه از همراهی مطلوب مردم گلستان در مصرف بهینه گاز قدردانی کرد و افزود: پوش «هر خانه یک اتاق گرم» به صرفه جویی در مصرف گاز کمک کرد البته این مهم همیشه باید در دستور کار مردم قرار بگیرد به طور قطع خاموشی یک بخاری در گازرسانی مطلوب به دیگر استان های شمالی کمک می کند. مدیرعامل شرکت گاز گلستان با اشاره به تداوم سرمایه هوا بر ضرورت ادامه پوش «هر خانه یک اتاق گرم» تاکید کرد و گفت: در صورتی که تأسیسات گازرسانی هر یک از مشترکان دچار وقفه و یا قطعی گاز شد بدون دستکاری به کتورها یا تأسیسات گازی، با شماره ۱۹۴ تماس حاصل کنند تا همکاران ما در اسرع وقت برای رفع مشکل در محل حاضر شوند. طالبی با بیان اینکه در شب گذشته حتی ۲۰ مورد

## راه اندازی خدمات CNG برای تاکسی ها در گلستان

مدیرعامل شرکت گاز گلستان از آغاز به کار یک جایگاه سوخت CNG در شهرستان های استان گلستان به منظور خدمات دهی به تاکسی ها خبر داد. به گزارش روابط عمومی، علی طالبی اظهار کرد: بر اساس تصمیمات اتخاذ شده قرار است یک ایستگاه سوخت CNG در تمامی شهرهای گلستان آغاز به کار کند تا فعالیت تاکسی ها و آژانس ها دچار مشکل نشود، این مهم پس از هماهنگی با تاکسیرانی شهرستان ها محقق می شود و امیدواریم به مرور زمان سطح دسترسی به جایگاه های گاز طبیعی در استان

# افزایش نظارت بر صرافی ها

در حال حاضر حدود ۱۰ واحد صنعتی استان ماهها است که منتظر تامین ارز هستند

واردات مواد مصرفی آنها باید تسهیل شود. معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان بر ضرورت نظارت بر صرافی های استان گلستان تاکید کرد و گفت: امروز قیمت دلار در بازار از ۴۳ هزار تومان عبور کرد و بخش عمده ای از به هم ریختگی بازار ارز در کشور توسط صرافی های مجازی و حقیقی رقم می خورد، گرچه قانون تعیین تکلیف کرده باید به مسئله نظارت بر صرافی ها بیشتر توجه شود. دهنوی خاطر نشان کرد: ما به تولیدکنندگان تاکید می کنیم که محصولات خود را بفروشند و بازار جهانی ایجاد کنند و بازرگانی و تجارت در حوزه صادرات استان را توسعه دهند اما از سویی دیگر قوانین بر خلاف این انتظارات ما است چرا که تولیدکننده پس از صادرات، باید ارز را در اختیار دولت قرار دهد و با نرخ نیمایی در داخل، منابع ریالی بگیرد. کجای دنیا با تولیدکننده و صادرکننده چنین برخوردی می کنند؟



هستند، چه اشکالی دارد که دولت این مهم را آزاد کند تا مشکلات مربوط به واحدهای صنعتی برطرف شود. وی با بیان اینکه تفاوت ارز نیمایی با ارز آزاد چالش هایی ایجاد کرده است، بیان کرد: متأسفانه در حوزه کالاها و مواد مصرفی، چند بنگاه اقتصادی در استان گلستان دچار خسارت جدی شدند و مسیر

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان خواستار افزایش نظارت بر صرافی های استان شد و گفت: بخش عمده ای از به هم ریختگی بازار ارز در کشور توسط صرافی های مجازی و حقیقی رقم می خورد. سید محمد دهنوی اظهار کرد: قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز صریح و شفاف به موضوع ارز پرداخته و در ماده چهار این قانون، موضوع سامانه های یکپارچه اعتبارسنجی و رتبه بندی را مطرح کرده و تکلیف آن را بر عهده وزارت صمت قرار داده است. وی ادامه داد: بر اساس قانون، وزارت صمت مکلف است تعیین و اعلام شاخص ها را برای رتبه بندی و اعتبارسنجی انجام دهد اما در حال حاضر یکی از کارهای بر زمین مانده، همین به روزرسانی سامانه ها است، متأسفانه تعهدات ارزی از سال ۸۶ و ۸۹ باقی مانده و پیگیری نشده است. معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان متذکر شد: از آنجایی که تامین

نائب رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی گفت: واردات برنج در راستای حمایت از سفره های مردم انجام شده اما باید در مورد جزئیات آن بیشتر بررسی شود. رحمت اله نوری اظهار کرد: دولت باید مطابق فرمایش رهبر معظم انقلاب، به معیشت و سفره مردم، خصوصاً اقشار آسیب پذیر توجه کند. نائب رئیس

## واردات برنج در راستای حمایت از سفره های مردم انجام می شود

کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی افزود: قوت غالب مردم در سنوات گذشته برنج بوده که هم اکنون به دلیل بالارفتن هزینه ها توان خرید آن را ندارند لذا باید دولت به شکل کالا برگ و هر شیوه ای دیگری، از مردم حمایت کند. وی توضیح داد: کلیات واردات برنج مصوب شده اما باید در مورد جزئیات بررسی بیشتری

انجام شود. نوری ادامه داد: با توجه به بالارفتن هزینه های کاشت، داشت و برداشت در دو سال اخیر، باید طوری برنامه ریزی شود تا کشاورز هم ضرر نکند. نماینده مردم علی آبادکتول در مجلس شورای اسلامی گفت: بر اساس مصوبه دوره نهم مجلس واردات برنج از مرداد تا آبان، برای حمایت از کشاورزان و تولید، ممنوع است.



